

جهانی شدن و الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای شهری؛ طراحی مدل و تبیین با نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعاتی: فضای عمومی مرکز شهر رشت)

زهرا فروتن

دانشجوی دکترای شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

منوچهر طیبیان*

استاد، گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده

فرآیند جهانی شدن بر تمام ابعاد زندگی بشر تاثیر گذاشته است. فضاهای شهری نیز در هر دو بعد محیطی و رفتاری تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. لذا ضرورت دارد تا رابطه محیط و رفتار در بستر جهانی شدن مورد کنکاش قرار گیرد تا نتایج آن بتواند به ارتقای کیفیت فضاهای شهری معاصر منجر گردد. پژوهش حاضر این ارتباط را با رویکرد احتمال‌گرایی مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف اصلی تحلیل تاثیر فرآیند جهانی شدن بر الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی و ارائه یک مدل نظری جامع درباره آن به عنوان یک نوآوری می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش این است که الگوهای رفتار شهروندان در بافت مرکزی شهر رشت چگونه تحت تاثیر جهانی شدن تغییر نموده است؟ برای پاسخ بدین پرسش از روش نظریه زمینه‌ای استفاده می‌گردد. تعیین افراد مصاحبه شونده به صورت هدفمند و با تکنیک گلوله برفی انجام شد. در نهایت با استفاده از تحلیل سطر به سطر گفتگوها در مرحله کدگذاری باز ۵۳۷ کد از ۱۵ مصاحبه دقیق با متخصصان حوزه پژوهش استخراج و در نهایت ۱۸ مقوله شناسایی گردید. در مرحله کدگذاری محوری نیز برای سامان دادن به ارتباطات بین مقولات از یک مدل پارادایمی استفاده شد. همچنین در مرحله کدگذاری گزینشی پالایش طرح پیشنهادی انجام گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد تاثیر جهانی شدن در هر سه جنبه از فعالیت‌های انسان در فضاهای شهری (اختیاری، اجتماعی، ضروری) وجود داشته و در غالب مولفه‌های فیزیکی، محیطی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی به وقوع می‌پیوندد. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته، فضای عمومی مرکزی شهر رشت در بستر جریان جهانی شدن هم از نظر کالبد و هم از نظر فعالیت به روز رسانی شده است. دعوت‌کنندگی بیشتر به فضای عمومی مرکز شهر رشت، توقف و مکث بیشتر در آن، بروز رفتارهای جدید، پاتوق‌های هم‌سالان، بازی‌های گروهی با غریبه‌ها، نشستن به گفتگو و معاشرت‌های اجتماعی و پیاده‌روی و پرسه‌زنی با آرامش مهم‌ترین مقولات بررسی شده در این پژوهش می‌باشد. این نتایج می‌تواند ضمن کمک به آینده برنامه‌ریزی فضای مذکور، راهنمای مناسبی در طراحی و برنامه‌ریزی سایر فضاهای عمومی شهری در ایران باشد.

واژگان کلیدی: جهانی شدن، الگوهای رفتاری، فضاهای شهری، نظریه زمینه‌ای

مقدمه

در دنیای جهانی شده رفتار انسان‌ها، جوامع انسانی و تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان در رابطه با اندیشه‌ها و نگرش‌های موجود دچار تغییر شده است. این تغییر در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی رخ داده و همه چیز تحت تاثیر واقع شده است. از این رو هدف اصلی این پژوهش تمرکز روی تغییرات رخ داده بر اثر فرایند جهانی شدن و در نهایت تحلیل تاثیر این فرآیند بر الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی و ارائه یک مدل نظری جامع درباره آن می‌باشد. بر کسی پوشیده نیست که فضاهای عمومی از مهم‌ترین ارکان شهرها و از تاثیرگذارترین اجزای شهری بر فرهنگ و زندگی شهری محسوب می‌شوند. این فضاها به عنوان بخش مهم یک کالبد زنده، فعال و پویا به عنوان شهر، در برخورد مستقیم با انسان قرار دارند. بدین مفهوم که از هم تاثیر پذیرفته و بر هم اثر می‌گذارند. در دهه‌های اخیر جهان یک روند تاثیر گذار را آغاز نموده و در یک مسیر جدید پیش می‌رود. مسیری که تا اینجا به یک دنیای جهانی شده منجر شده است. دنیایی که مرزها در آن تعریف پیشین خود را از دست داده‌اند و سبک تازه‌ای از زندگی شهری در آن ارائه شده است. زندگی انسان عصر جهانی در بسیاری از موارد با تغییرات شگرفی روبه‌رو شده است، تغییراتی که وی هیچ شناخت و تجربه‌ای پیشتر از آن نداشته است. در این میان به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین نمود این تغییرات که جنبه عمومی داشته و در عرصه شهرها به روشنی خود را نشان می‌دهد، الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی شهرهاست. جهانی شدن بر انسان معاصر تاثیرگذارده و الگوهای رفتاری او را نیز دچار تغییر کرده است. جهانی شدن در سال‌های اخیر به سبب رشد تکنولوژی و تغییر عملی مفاهیم زمان و مکان، به طرز فراگیری بر روی شیوه زندگی و از این رو الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی شهرها تاثیر گذار بوده است. لذا می‌بینیم که در بعضی موارد فضاها و رفتارهای ما در آن تغییر یافته، در بعضی ثابت مانده و بعضی از فضاها و رفتارها نیز حذف شده و فضاها و رفتارهای تازه‌ای متولد شده است. در این سال‌ها نمایش پرتکرار و پر سرعت فضاهای شهری در سراسر دنیا که به واسطه عصر جهانی و امکانات ارتباطی‌اش، فراهم گشته است، سبب شده که از یک طرف در طراحی فضاهای عمومی جدید و از طرف دیگر در نحوه حضور و استفاده از این فضاها تفاوت‌های اساسی به وجود آید. بحث اصلی این پژوهش بر موضوع چگونگی تاثیرگذاری فرآیند جهانی شدن بر الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی تمرکز می‌کند و به دنبال یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از تاثیر جهانی شدن بر الگوهای رفتاری و تبیین یک مدل نظری نو در این باره می‌باشد. چرا که دانش موجود در تحقیقات مطالعه شده نمی‌تواند راهگشای مناسبی در این زمینه بوده و نیاز به توسعه نظریات موجود و همچنین خلق نظریات جدید قویا احساس می‌گردد.

مبانی نظری تحقیق و پیشینه تحقیق

در بررسی پیشینه تحقیق می‌بینیم که قهرمانی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش «دگرگونی فضاهای شهری درون شهرها در چارچوب جهانی شدن و رقابت شهری» با هدف شناسایی عوامل مهم در تغییر فضاهای شهری درون شهرها در عصر جهانی شدن و رقابت شهری، تحولات شهری در چهار شهر جهانی (استانبول، شانگهای، سنگاپور و توکیو) را مورد بررسی قرار دادند. در نهایت ۹ عامل اساسی دگرگونی فضای شهری و ۳۷ استراتژی کلیدی ارائه گردید. این عوامل شامل درک پایداری محیطی و اجتماعی، تاکید بر هنر، فرهنگ، و دارایی‌های محلی؛ همکاری‌های بین‌المللی در طراحی فضاها و ارائه خدمات؛ استفاده از فن‌آوری‌های مدرن (ساخت‌وساز، اطلاعات و ارتباطات)؛ خصوصی سازی بازارهای املاک؛ مفهوم حوزه عمومی جهان وطنی؛ برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های اوقات فراغت و گردشگری شهری؛ تجربه اقتصاد و تشویق مصرف‌گرایی؛ و اقتصاد خدمات محور و صنایع دانش بنیان می‌شود. تعامل بین این عوامل و پیش‌شرط‌های هر شهر، مانند توانایی رقابت‌پذیری شهر و مسائل زمینه‌ای، دریچه‌ای را ایجاد می‌کند که از طریق آن می‌توان دگرگونی فضای شهری را درک نمود. در پژوهش عسگری‌زاد و صفری (۲۰۲۰) با عنوان «تأثیر تعاملات اجتماعی بر الگوهای رفتاری مردم در فضاهای شهری» دیده شد که تعاملات اجتماعی تأثیر عمیقی بر نحوه رفتار افراد در فضاهای شهری دارد. بنابراین این تأثیر رفتاری که از کیفیت محیط ساخته شده ناشی می‌شود، به افراد منتقل شده و بر نحوه رفتار آنها در زندگی شخصی خود تأثیر می‌گذارد. این تحقیق تأثیر مهم فرآیند جهانی شدن و فناوری‌های عصر جهانی را بر تعاملات اجتماعی و الگوهای رفتاری افراد در یک فضای عمومی در نظر نمی‌گیرد. لیکن در پژوهش حاضر در نظر گرفتن این موضوع اصل اولیه می‌باشد. یا اینکه آرتوپولوس^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان «استفاده از ICT در مدیریت فضای باز عمومی به عنوان یک امر رایج» تعاریف جدیدی از فضاهای عمومی در عصر فناوری ارتباطات ارائه می‌دهند. این پژوهش فضای باز عمومی مشترک را تعریف نموده و راه‌های مدیریت ابتکاری و توسعه پایدار آن از طریق استفاده از فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطی عصر جهانی را بررسی می‌نماید. این مقاله فناوری اطلاعات جدید را بیان می‌کند و روش‌ها و فن‌آوری‌هایی را در نظر می‌گیرد که می‌تواند به منظور افزایش هویت جامعه، تعامل اجتماعی و مشارکت کاربران در اداره فضای باز عمومی به صورت مشترک مورد استفاده قرار گیرد ولی بر تأثیر این تغییرات بر الگوهای رفتاری هیچ اشاره‌ای نشده است. ماندلی^۲ (۲۰۱۹) در مقاله «فضای عمومی و چالش تحول شهری در شهرهای با اقتصادهای نوظهور: مطالعه موردی جده» نشان می‌دهد که فضاهای عمومی در جده در دهه‌های اخیر کاملاً تغییر کرده است و اینکه این تغییرات در فضاهای عمومی، نشان دهنده تغییرات گسترده‌تر در جامعه عربستان می‌باشد. نارضایتی عمومی از فضاهای معاصر در جده با کمبودهای برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت مدرنیستی همراه است. این موارد باعث تغییر شکل بافت اجتماعی-مکانی،

¹ Artopoulos

² Mandeli

تغییر فرهنگ سستی خیابانی، از بین رفتن احساس هویت محلی، ایجاد فضاهای غیرقابل استفاده شهری شده و سوالات عمده‌ای در مورد چگونگی پاسخ چنین فضاهایی به نیازها و خواسته‌های مردم ایجاد کرده است. رضوی‌وند فرد (۲۰۱۴) در پژوهش «ارزیابی رفتار فضایی در فضای عمومی شهری میدان کادیکوی^۱» با هدف ارزیابی ادراکات کاربر، رضایت و الگوهای استفاده از فضای بیرونی به مطالعه فضای باز عمومی میدان کادیکوی می‌پردازد. این تحقیق چگونگی استفاده مردم از فضاهای باز عمومی را بررسی می‌کند و اینکه چه عواملی در استفاده از این فضاها تاثیرگذار است و چه ویژگی‌های فیزیکی بیشترین تاثیر را در الگوهای رفتاری و فعالیت‌های خاص مربوط به فضای میدان کادیکوی دارند، را شرح می‌دهد. اما همچنان بر تاثیر فرآیند جهانی شدن بر الگوهای رفتاری اشاره‌ای نمی‌شود. لذا خلا مطالعاتی موجود سبب‌ساز انجام پژوهش حاضر بوده است.

جهانی شدن

جهانی شدن معطوف به فرآیندی است که در جریان آن فرد و جامعه در گستره‌ای جهانی با هم پیوند می‌خورند (Alipour et al., 2016). این فرآیند فرامفهومی و پویا (Zali, 2013) قطعیت، ثبات، نظم و تعادل را با عدم قطعیت، بی‌ثباتی، بی‌نظمی و عدم تعادل جایگزین می‌کند و می‌تواند در قالب عبارات روندها^۲، شبکه‌ها^۳، ظرفیت‌ها^۴، توزیع^۵، انتشارات و حرکت‌ها^۶ توصیف شود (Ameli, 2016). بنابراین جهانی شدن یک مفهوم مطلق نیست و فرآیندی است که دارای مفاهیم نسبی بی‌شماری است. این نسبی بودن ریشه در تکثر روندهای جهانی شدن دارد (Nazarpour, 2020).

جهانی شدن خود همیشه در حال تغییر است و بر تمام ابعاد و فعالیت‌های شهرها تاثیر می‌گذارد و جنبه‌های بسیاری را شامل می‌شود؛ از اقتصاد، سیاست، مذهب و عناصر اجتماعی (Kara, 2019). این فرآیند پیچیده و در حال شدن در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در مسیر تکاملی خود تغییرات و تحولات گسترده‌ای را به وجود آورده است. این مفهوم، ساختارهای اجتماعی کشورها و جوامع و همچنین شهرها و شهروندان را دگرگون می‌کند (Martin, Matteudi,)

¹ Kadıköy

²Flows

³ Networks

⁴ Capacities

⁵ Distributions

⁶ Diffusions

⁷ Movements

جهانی شدن و الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای شهری؛ طراحی مدل و تبیین با نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعاتی: ۹۱)

4, 2018). به گفته ریچارد فالک^۱ (۲۰۰۲) تحولات جهانی شدن آینده جهان را با چشم انداز تازه‌ایی مواجه ساخته است. یکی از اساسی‌ترین جنبه‌های جهانی شدن، تراکم زمان و مکان در زندگی بشر است که اکنون در همه جا شیوع پیدا کرده و بر اندیشه و احساس و رفتار ما تاثیر نهاده و سرعت و مجاورت را به ویژگی بارز زندگی و تجربه روزمره آدمی تبدیل کرده است. از طرف دیگر ریتزر (۲۰۰۳) نشان می‌دهد جهانی‌سازی با توسعه فناوری‌ها و افزایش در تولید مکان‌های غیر جغرافیایی، الگوهای مشابهی از مصرف را ایجاد کرده است. در نتیجه تعداد مراکز تفریحی، پارک‌های اداری، مراکز خرید که در نتیجه جهانی شدن ایجاد می‌شوند، افزایش می‌یابد. لیکن استقبال شهرهای دیگر برای پیروی از همین الگوها به این معنا نیست که یک استاندارد یا ایده یکسان از اثرات جهانی شدن وجود دارد، بلکه تمام این موارد به عنوان الهام بخش توسعه فضایی شهرها عمل می‌کند. اگرچه شهرها ممکن است از همان سبک، طرح، مقیاس و عملکرد معماری یکسانی برخوردار باشند یا با توجه به آن ساخته شده باشند، اما باز هم نتیجه گرفته می‌شود که جهانی‌سازی اثرات یکسانی را در سراسر کره زمین یا شهرها به همراه ندارد (Johnston, 2003). ضمن اینکه باید توجه داشت جهانی‌سازی باعث انقیاد محلات (شهرها یا مناطق) در برابر نیروهای جهانی می‌شود (Amin, 1994). در نهایت باید توجه داشت که کاهش نقش مرزهای جغرافیایی و در هم تنیدگی منافع فرد و کشور در منافع مردمان جهان از اثرات فرآیند جهانی شدن می‌باشد (Fanie, 2014). بنابراین جهانی شدن باعث تغییر در هر مقیاسی خواهد شد، از مقیاس کلان تا خرد، از شهرها تا ریزفضاهایشان؛ لذا فضاهای عمومی شهرها نیز در این تغییرات می‌توانند نقطه کانونی باشند. چرا که فضاهای عمومی محل بروز تمام تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در شهرها می‌باشند. برنامه‌ریزی شهری و راهنمای طراحی و شیوه‌های جدید مدیریتی در دنیای جهانی شده، فضاهای عمومی بسیاری از کشورها را کاملاً متحول کرده است. این پژوهش به بررسی این تغییرات در فضاهای عمومی از منظر الگوهای رفتاری می‌پردازد.

دیدگاه‌ها و نظریه‌های جهانی شدن

خاستگاه‌های جهانی شدن را می‌توان در آثار بسیاری از روشنفکران قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پیدا کرد؛ از کارل مارکس^۲ و جامعه‌شناسانی مثل سن سیمون^۳ گرفته تا پژوهندگان جغرافیای سیاسی نظیر مک کیندر^۴ که به چگونگی تلفیق جهان از راه مدرنیته پی برد. به طور کلی جهانی شدن از مفاهیمی است که در دهه پایانی قرن بیستم بسیاری از جریانات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار داد. جهانی شدن از یک سو دارای چارچوب

¹ Richard Falk

² Karl Marx

³ Saint-Simon

⁴ Mac Kinder

مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهان و از سوی دیگر مبین نوعی جهان‌بینی و اندیشیدن درباره جهان به‌عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته است (Kazemi, 2011). چند نمونه از مهم‌ترین نظریات پیرامون این مفهوم در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. مهم‌ترین نظریات همسو با فرآیند جهانی شدن، ماخذ: نگارندگان

Table 1. The most important ideas in line with the globalization process, Source: authors

ردیف	نظریه / نظریه پرداز	شرح
۱	دهکده جهانی / مک لوهان	جهانی شدن مستلزم پدیده شناسی انقباضی است یعنی کره زمین در حال کوچک شدن از حیث پدیده شناختی است نه از لحاظ لغوی و جغرافیایی. به این معنا که کشورهای جهان از حیث روابط و کارکردها به یکدیگر نزدیک شده‌اند.
۲	تغییرات جهانی ^۱ / پیتر دیکن (۱۹۹۸)	کشورهای پیشرفته جهان همگی از سال ۱۹۴۸ به تدریج سهم خود را از تولیدات صنعتی جهان کاهش دادند و هم‌زمان محصولات صنعتی در کشورهای نظیر ژاپن، برزیل، چین و ... افزایش یافت به طوری که در نهایت تعدادی از کشورهای تازه صنعتی شده، سهم خود را در روابط تولیدات جهانی افزایش داده و رتبه خوبی در بازار تولید صنعتی جهان احراز کردند.
۳	پایان تاریخ / فوکویاما ^۲ (۱۹۸۹)	فوکویاما تاریخ را یک فرآیند واحد، منسجم و تکاملی می‌بیند و یادآور می‌شود که مارکس و هگل هر دو معتقد بودند که تکامل جوامع بشری بی‌نهایت نیست. هنگامی که بشر به شکلی از جامعه برسد که عمیق‌ترین و بنیادی‌ترین آرزوهایش را سیراب کند، تاریخ باید پایان پذیرد. فوکویاما سرمایه داری را آخرین مقصد در مسیر تحولات تاریخ اقتصادی بشر می‌داند. نظام سرمایه داری جهانی شرایطی را به‌خصوص در زمینه تجارت جهانی بوجود آورده است تا کشورهای در حال توسعه چاره‌ای جز پیوستن به فرآیند مورد نظر آنها نداشته باشند. مطابق این تئوری پس از پایان جنگ سرد فرهنگ و هویت مذهبی سرچشمه همه درگیری‌ها خواهد بود.
۴	برخورد تمدن‌ها ^۳ / ساموئل هانتینگتون ^۴ (۱۹۹۶)	
۵	مارکس (۱۸۴۶)	ایده های مارکس در مورد تولید بیش از حد، او را به پیش‌بینی آنچه که امروزه جهانی شدن نامیده می‌شود، سوق داد - گسترش سرمایه‌داری در سراسر کره زمین در جستجوی بازارهای جدید. «نیاز به یک بازار دائمی در حال گسترش برای محصولاتش، بورژوازی را در تمام سطح جهان تعقیب می‌کند».

می‌توان در تحقیقات پیشین^۵ ویژگی اصلی دنیای جهانی شده را کم رنگ کردن قید و بندهای جغرافیایی و ایدئولوژیکی حاکم بر روابط فرهنگی و سامان‌دهی کنش‌ها و واکنش‌ها در عرصه مناسبات و روابط جهانی عنوان نمود. امری که با نفوذپذیر ساختن مرزهای روانی ملی در بستر انقلاب تکنولوژیکی رخ داده، ضمن تأکید بر فرهنگ شخصی و متنوع کردن سبک‌های زندگی، به طور هم‌زمان سبب‌ساز تغییر در سلیقه و خواست شهروندان و برنامه‌ریزان شده است. تحقیق حاضر نیز با صحنه گذاشتن بر این امر و در ادامه آن معتقد است که شهرها و ریزفضاهایشان می‌توانند از جهانی شدن بهره مثبت ببرند. شهرها می‌توانند با تقویت فضای رقابتی موقعیت‌های بهتری در جهان به دست آورند. تلاش برای اطمینان از رقابتی ماندن شهرها در جریان جهانی شدن، مستلزم آن است که شهرها از تصمیم گیرندگان، سازمان‌ها و بازیگران درست و موثر

¹ Global shifts

² Francis Fukuyama

³ Clash of Civilizations

⁴ Samuel P. Huntington

⁵ Manuel Castells, 1990; Malcolm Waters, 2001; Martin Albrow, 1996; David Harvey, 1970; Talcott Parsons, 1951

برخوردار باشند. تاکید اصلی بر کسب بیشتر سرمایه جهانی است. در این راستا مدیریت شهری با انجام فعالیت‌هایی می‌تواند شهرها را به ویژه در سطوح و استانداردهایی که امکانش وجود دارد، توسعه دهند و سرمایه‌های جهانی بیشتری را جلب نمایند. موارد گفته شده حتی می‌تواند در جریان جهانی شدن، شهرها را به یک شبکه جهانی از یکدیگر متصل نماید. این تحولات همه کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد- توسعه یافته، نوظهور یا کمتر توسعه یافته - و شرایط زندگی و عادات سهم عظیمی از بشریت را چه در شهرهای بزرگ جهانی و چه در «شهرهای عادی» کاملاً تغییر می‌دهد.

فضای شهری

فضای شهری، فضایی سرشار از کنش‌ها و واکنش‌های مردم و عوامل استفاده کننده از آن است. فضاهای شهری، مکان‌هایی هستند که به عموم شهروندان تعلق داشته، منحصر به جنبه کالبدی و فیزیکی نبوده و در حقیقت با حضور انسان و فعالیت اوست که معنا می‌یابد (Zolfi gol, Karimi, 2017). فضای شهری همواره بستری برای تجلی الگوی رفتاری و میان‌کنش‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی و اجتماعی است. بنابراین هرگونه فضایی در شهر را نمی‌توان فضای شهری دانست، بلکه ارتباطات ویژه بصری و حرکتی موجد فضای شهری است (Abdollah Zade Fard, 2016).

حقیقت این است که ماهیت فضاهای عمومی شهری تغییر کرده است؛ می‌توان از طریق تغییر در سازمان فضای شهری، تغییرات اقتصادی-اجتماعی را فهمید (Lefebvre, 1991; Harvy, 1973). در دوره ماقبل صنعت، فضاهای شهری سبب‌ساز تسهیل ارتباطات روزمره، جامعه‌پذیری و تجارت بودند و به عنوان عنصر اصلی اجازه می‌داد که هر شهر شخصیت منحصر به فرد خود را داشته باشد (Mandeli, 2019). اما در دنیای جهانی شده امروز وضعیت تغییر پیدا کرده است. سه روند عمده در تحول فضای شهری عبارتند از: ۱) تکه تکه شدن بافت شهری و تخریب فضای عمومی؛ ۲) خصوصی سازی فضای عمومی و ۳) تجدید حیات چنین فضاهایی (Madani Pour, 2019). طبق نظر جیکوبز (۱۹۶۱) در شهرهای غربی، انقلاب صنعتی برای همیشه شکل شهرهای قدیمی، ماهیت محیط اجتماعی، تجربه مردم از قلمرو عمومی و در واقع همه جنبه‌های زندگی آنها را تغییر داد. این روند، شهرها را بزرگتر کرد و جمعیت‌های زیاد و ناهمگنی به آنها بخشید و بافت‌های سنتی اجتماعی- فضایی را از بین برد (Mandeli, 2019). پس از جنگ جهانی دوم استراتژی‌های مختلفی برای اجرای پروژه‌های مسکن و حمل و نقل در کشورهای توسعه یافته اتخاذ شد. نیاز به سازگاری با ترافیک و حرکت به سمت محدودیت‌های منطقه‌بندی، اختلافات عمیقی را در فضای شهری ایجاد کرد که به چند قطعه شدن بافت شهری و تغییر قلمرو عمومی منجر می‌شود (Gehl, J., Svarre, 2013). در نتیجه فضاهای عمومی و شخصیت آنها تغییر یافت زیرا دیگر به عنوان تسهیل کننده تعاملات اجتماعی عمل نمی‌کردند و صرفاً برای اهداف سرمایه‌ای اختصاص داشتند. بنابراین آنها نقش تاریخی خود را به عنوان مکان‌هایی که مردم می‌توانستند در آن حضور یافته و با یکدیگر اختلاط داشته باشند، از دست دادند (Hall, 2002). دومین عاملی که باعث تغییر شخصیت فضاهای باز عمومی و وخامت وضعیت آنها شد، ضعف در مدیریت محلی همراه با قدرت مالی و قانونی محدود برای کنار آمدن با افزایش گسترده ساکنان و گسترش شهرها بود.

در نتیجه، فضاهای عمومی از یک عملکرد مدنی گسترده محروم می‌شوند که این امر بی‌علاقگی به بخش‌های عمومی زندگی را افزایش می‌دهد (Carmona, 2010). بحران‌های مالی اواسط دهه ۱۹۷۰؛ کاهش درآمد مقامات ملی و محلی؛ شکست سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری مانند تحولات کنترل نشده جهشی و کاهش کیفیت امکانات عمومی همه به خصوصی‌سازی نهادهای دولتی کمک کرده است. این موارد به نوبه خود باعث تغییر فضاهای آزاد در دسترس به فضاهای کنترل شده و انحصاری گردید (Kirby, Glavac, 2012).

فضاهای شهری در تطابق با شرایط جدید شهری تغییر یافته و سرمایه‌های سودآوری را در توسعه شهر جذب کرده است. فریدمن (۲۰۰۲) می‌گوید بیشتر فضاهای شهری اکنون منابع بالقوه سرمایه‌گذاری و منافع اقتصادی هستند. بر اساس این اعتقاد که فضاهای عمومی می‌توانند ارزشی عظیم به تجربه و پتانسیل مناطق شهری بیفزایند، مقامات شهری به‌طور فزاینده‌ای بر تولید نسخه‌های جدید با کیفیت بالا برای تولید و انتشار جهانی تصاویر تبلیغاتی که شهرهای آنها را قابل رقابت می‌کند، تاکید کرده‌اند (Mandeli, 2019). در فرآیند جهانی شدن، همه اشکال فضاهای عمومی شاهد رنسانس بوده و در هر کجا به عناصر اصلی طرح‌های توسعه شهری تبدیل شده‌اند. این امر به نوبه خود کیفیت فضای عمومی را غنی کرده و بسیاری از کاربران جدید را به خود جلب کرده است. طرح‌های جدید فضاهای سنتی را بازسازی کرده و فضاهای جدیدی را ایجاد کرده‌اند که با جذب مشاغل خصوصی و نه دولتی به منظور ایجاد صنعت تازه در صنعت گردشگری فراهم می‌شوند (Carmona, 2010).

می‌دانیم که هیچ فضای شهری را نمی‌توان و نباید بدون در نظر گرفتن عنصر مهم آن یعنی «انسان» مطرح نمود. بنابراین زمانی که انسان عنصر مهم یک فضا معرفی می‌گردد و تمامی جریان‌ها و اتفاقات و برداشت‌ها از فضا حول محور انسان و کارآمدی برای وی سنجیده می‌شود، طرز رفتار و برخورد این عنصر مهم با فضا به قوی‌ترین شکل ممکن، مهم تلقی می‌گردد. بدیهی است که فضاهای شهری و شهروندان بر هم تاثیر گذارده و از هم تاثیر می‌پذیرند و در مورد شهروند این تغییر به صورت رفتار در فضای شهری بروز می‌نماید.

الگوهای رفتاری

الگوی رفتاری نشان دهنده نحوه رفتار مردم در فضا است که شامل تعاملات آنان با یکدیگر و با فضا می‌باشد (Khatibi, 2013). رفتار نیز شامل هر فعالیت و عملی است که موجود زنده انجام می‌دهد و یک بازتاب یا مجموعه بازتاب‌های فرد نسبت به یک وضع می‌باشد. در طی فرآیند اجتماعی شدن، رفتار از فرهنگ تاثیر می‌گیرد و توسط این فرآیند؛ زبان، آداب و رسوم، ارزش‌ها و توقعات آموزش داده می‌شود (Kamvar shalmani, 2016). همچنین فعالیت‌های انسان‌ها به فرهنگ متکی می‌باشد، فرهنگ الگوی رفتاری را به وجود می‌آورد و این الگوی رفتاری تعیین کننده و بیان کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می‌شوند (Bahrainy, 2015).

در دوران معاصر حضور انسان و رفتارهای وی در فضاهای شهری چنان اهمیت یافته است که بسیاری از صاحب نظران عصر حاضر را نوبت پرداختن به فضای شهری و آنچه در آن می‌گذرد، می‌دانند. ضمن آنکه اهمیت رفتارهای صورت گرفته در فضاهای شهری از جنبه‌های بسیار متنوعی قابل بحث است. در ادبیات معاصر طراحی شهری، به اهمیت رفتارهای شهری در خصوص تاثیرات آن در جنبه‌های فرهنگی (هویت فرهنگی و شیوه زندگی)، جنبه‌های سیاسی (همچون ابزارهای فردی و گروهی در جنبش‌های اجتماعی)، جنبه‌های اجتماعی (همچون تعاملات اجتماعی، وفاق عمومی، اعتماد سازی، تقویت سرمایه اجتماعی) و... پرداخته می‌شود (Azimi soghin, 2017). تغییرات رخ داده در شهرها در دوران معاصر از جمله رشد جمعیت نامتناسب با توسعه شهری، افزایش توجه به شهرها نسبت به دیگر انواع سکونت، رواج فراوان در استفاده از فناوری‌های الکترونیکی و اطلاعاتی و تغییر و جابجایی مرزهای روانی بین فرهنگ‌های مختلف در نواحی مختلف جهان؛ بدون شک بر الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی شهری تاثیر گذار خواهد بود. بنابراین دیگر صرفاً توجه مدیران شهری بر جنبه‌های فیزیکی-کالبدی شهرها قابل توجه نبوده و لازم است تاثیرات روانی و ذهنی این تغییرات در عرصه شهر بر شهروندان مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در این پژوهش تلاش می‌شود که ارتباط میان فرآیند جهانی شدن و الگوهای رفتاری کاربران در فضاهای عمومی شهری مورد بررسی قرار گیرد.

رایج ترین رویکرد به رابطه فضا و انسان یا محیط و اجتماع، الگوی ادراکی-شناختی-انگیزشی است (Zakerani, 2016) که با هدف دریافت چگونگی درک محیط توسط انسان و واکنش او نسبت به محیط صورت می‌گیرد. به این معنی که «انسان چگونه محرک‌های محیطی محیط خوب یا بد را درک و سازماندهی می‌کند؟» و این محرک‌ها چه تاثیر عاطفی و انگیزشی (احساسات مثبت و منفی) بر فرد داشته و واکنش‌های شناختی (تصورات ذهنی یا برداشت‌های خوشایند و ناخوشایند) نسبت به محیط چگونه شکل می‌گیرند؟. از طرف دیگر در الگوی رفتاری به جای احساسات و واکنش‌های درونی بیشتر به جنبه‌های آشکار و نموده‌های رفتاری انسان در فضا تاکید می‌شود. در این رویکرد، انسان موجودی رفتارگراست که کنش‌های او عمدتاً در قالب الگوهای رفتاری متجلی می‌شود. اما در این زمینه بر نقش محرک‌های محیطی و الگوهای فضایی به عنوان عوامل تعیین کننده تاکید دارد. لذا شناخت نیازهای رفتاری و توجه به آن در طراحی و سازماندهی فضایی به عنوان عوامل تعیین کننده رفتار اهمیت دارد. در اینجا ذکر این نکته نیز لازم به نظر می‌رسد که ارتباط بین انسان و محیط فرآیندی است که در جریان آن انسان و محیط به یکدیگر متصل شده و امکان مبادله اطلاعات فراهم می‌آید. محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده‌اند که به سختی می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد (Zolfi gol, 2017). از همین رو رویکرد مد نظر این پژوهش، رویکردی است که از برآیند الگوی ادراکی-شناختی-انگیزشی و الگوی رفتاری به دست می‌آید. در واقع فرض اصلی پژوهش بر این است که اگر جهانی شدن توانسته باشد بر الگوهای رفتاری شهروندان تغییراتی را ایجاد نموده باشد، این تاثیر ابتدا بر الگوهای ادراکی-شناختی-انگیزشی آنان بوده و سپس به صورت الگوی رفتاری متفاوت بروز نموده است. لنگ درباره رابطه محیط و رفتار انسان چهار موضع را مطرح می‌کند که

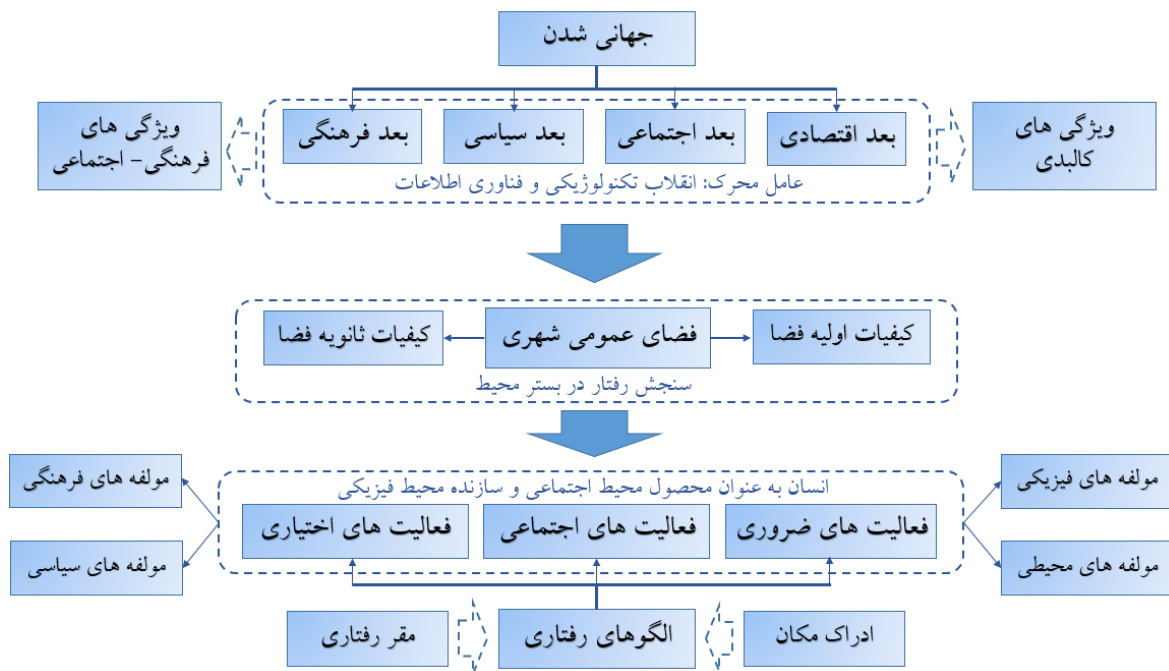
در جدول ۲ نشان داده شده است. با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توان اظهار داشت که رویکرد احتمال‌گرایی به ماهیت این پژوهش نزدیک‌تر می‌باشد.

جدول ۲. رابطه محیط و رفتار از دیدگاه لنگ

Table 2. The relationship between environment and behavior from Lang's point of view

رویکرد اختیاری	محیط بر رفتار اثر ندارد.
رویکرد امکان‌گرایی	محیط تامین‌کننده رفتار انسان است.
رویکرد جبر‌گرایی	انسان بر اساس فرصت‌های رفتاری موجود عمل می‌کند. محیط تعیین‌کننده رفتار است.
رویکرد احتمال‌گرایی	رابطه بین محیط و رفتار علی می‌باشد. قابلیت‌های موجود در محیط زمینه‌ساز رفتار انسان است. ادراک محیط بر اساس نیازها و شایستگی فردی صورت می‌گیرد.

هر کدام از رویکردهای عنوان شده در جدول بالا منتج به وقوع رفتار و الگوهای رفتاری در فضاهای شهری می‌گردد. بدیهی است که الگوهای رفتاری صورت گرفته در یک فضا، وابسته به محیط پیرامونی در طی زمان دچار تغییر می‌گردد. در این نوشتار موضوع تغییر الگوهای رفتاری به عنوان یکی از آثار مهم و حتی به تعبیری یک هدف معتبر برای برنامه‌ریزی‌های کالبدی در دنیای جهانی شده مطرح است؛ به این معنا که در حرکت به سمت مطلوبیت محیط، امکانات طراحانه در جهت «تقویت» رفتارهای هدف و «تضعیف» رفتارهای معارض به کار گرفته شود. لذا به رغم قبول نقش «امکانی» و «احتمالی» محیط و البته دوره‌های زمانی (فرآیند جهانی شدن) در تغییر یا هدایت رفتار، حرکت به سمت تنظیم رفتار را می‌توان به عنوان هدف برنامه‌های کالبدی جهانی شدن اتخاذ کرد و از آنجا که همواره بین فضای شهری و انسان نوعی تعامل برقرار است اگر فضا را مستقل از روابط اجتماعی در نظر بگیریم، مانند آن است که ماهیت را از جسم آن جدا کنیم. از آنجا که فضا چیزی جز جامعه نیست؛ لذا تغییر محیط به معنای تغییر روابط اجتماعی است (Zakerani, 2016). به عبارت دیگر فضای شهری سازنده الگوهای رفتاری مختلفی است که به تناسب ویژگی‌های کالبدی و همچنین فرهنگی و اجتماعی آن شکل می‌گیرد. در نتیجه می‌توان مدعی شد که فضاهای عمومی شهری، به عنوان عامل پیوند رفتارهای اجتماعی فرد و کالبد شهری، گستره‌ای از الگوهای رفتاری را حول فضا-رفتاری که در مرکزیت آن قرار می‌گیرد، تعریف می‌کند. در شکل ۱ مدل مفهومی پژوهش نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش، ماخذ: نگارندگان

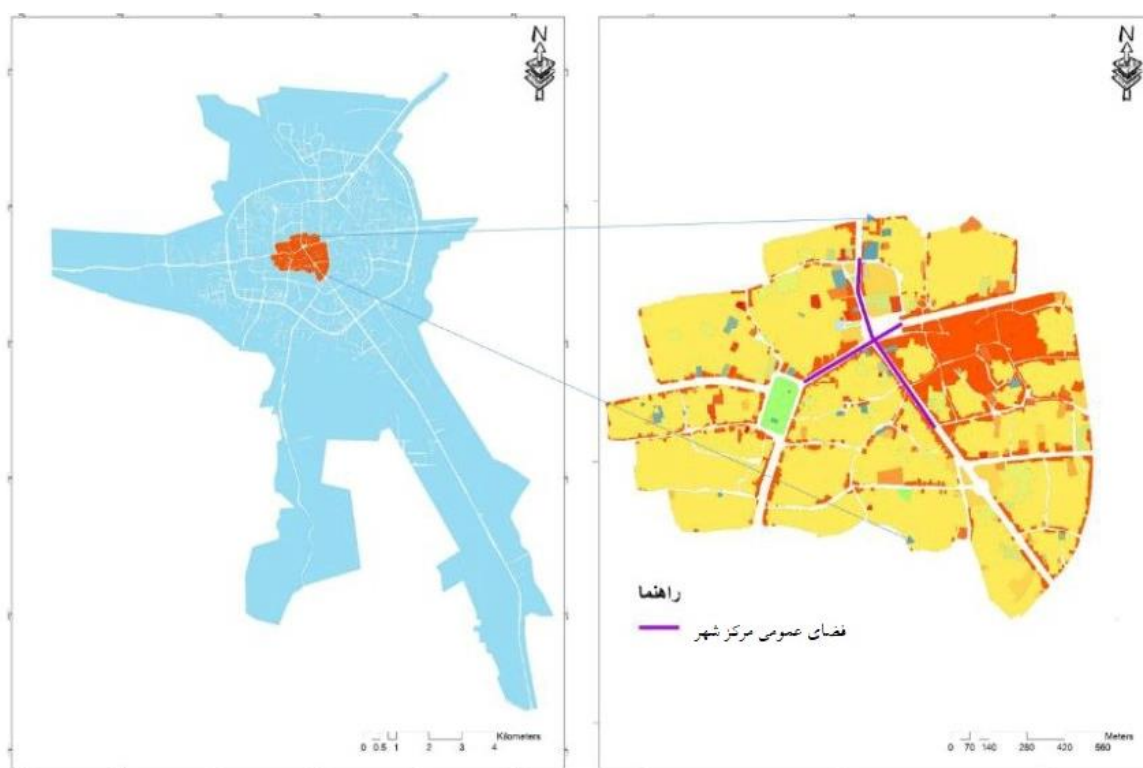
Fig 1. Research conceptual model, source: authors

مواد و روش‌ها

محدوده مورد مطالعه

اکثر شهرهای شکل گرفته در ایران پیش از دوران مدرن، از آن دسته شهرهایی هستند که برنامه‌ریزی و طراحی نشده‌اند. بعد از انقلاب صنعتی و ورود مدرنیسم به ایران نیز فرآیند توسعه شهری عمدتاً مبتنی بر اولویت خودرو بوده و حقوق عابران پیاده نادیده گرفته شده است (Askarizad, 2020). شهر رشت نیز بر اساس همین اصول شکل گرفت. بخش مرکزی شهر رشت که البته بیشتر از مرکزیت فیزیکی از یک مرکزیت عملکردی بسیار مهم برخوردار است، مهم‌ترین فضای عمومی این شهر را در خود دارد. مهم‌ترین بخش‌های این بافت مرکزی عبارتند از میدان شهرداری که از دیرباز قلب شهر رشت و مکانی برای فعالیت‌های حیاتی و رویدادهای سنتی بوده است، بازار اصلی و سبزه میدان (یکی دیگر از میدان‌های تاریخی رشت) و ساختمان‌های میراثی، فرهنگی و اداری فراوان. به همین دلیل است که این مکان یک نقطه کانونی برای ارتباط شهروندان با شهر است. در دهه‌های اخیر و قبل از بازسازی که از سال ۱۳۸۹ آغاز گردیده و تا ۱۳۹۴ ادامه داشته است، میدان شهرداری و خیابان‌های منتهی به آن به‌عنوان اصلی‌ترین خیابان‌های شهر رشت خودرو محور بوده و در اغلب اوقات ترافیک و ازدحام بالای خودرو و انسان را شاهد بوده و در نهایت به فضایی خودرو محور و نه انسان مدار تبدیل

شده بود. در صورتی که شهرهای مهم دنیا در روند جهانی شدن و در یک رقابت جهانی به تولید فضاهای انسان مدار به شدت نیازمند می باشند. در سال ۱۳۹۴ میدان و سه خیابانی که اطراف آن را در برگرفته بودند تبدیل به پیاده‌راه‌هایی شدند که عنوان بزرگترین پیاده راه دنیا را به خود اختصاص داده‌اند (Azadegan, Safari, 2021). پهنه پیاده مرکزی شهر رشت به طول ۸,۳ کیلومتر شامل میدان اصلی شهدای ذهاب (شهرداری)، خیابان علم‌الهدی و بخش‌هایی از خیابان امام خمینی و سعدی است (شکل ۲).



شکل ۲. فضای عمومی محدوده مرکزی شهر رشت روی نقشه شهر، ماخذ: نگارندگان.

Fig 2. The public space of the central area of Rasht city on the city map, source: authors.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و توصیفی است. پژوهش کیفی دارای رویکردهای مختلف از نظر ماهیت و روش تحقیق است. رویکرد نظریه زمینه‌ای که با عناوین «گردند تئوری^۱»، «نظریه میدانی»، «نظریه مبنایی» و «نظریه داده بنیاد» نیز معرفی

¹ Grounded Theory

می‌شود، یکی از آنها می‌باشد. و روشی دقیق برای کشف است که امکان پیش‌بینی و توضیح فرآیندهای رفتاری را فراهم می‌کند (Andrewset al., 2021). این نظریه مستقیماً از داده‌هایی استخراج می‌شود که در جریان پژوهش به‌طور منظم گردآوری و تحلیل می‌شوند (Strauss, 1998). نظریه داده بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا به جای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام نمایند (Amerian, 1400). از این رو با توجه به ماهیت پرسش اصلی پژوهش از این روش استفاده می‌گردد.

برنیز و گرو معتقدند که نظریه مبنایی به‌طور معمول در زمینه‌هایی به کار گرفته می‌شود که دانش کاملی در مورد آن پدیده در دست نباشد و یا اینکه هدف از آن کسب بینش و دیدگاه جدیدی نسبت به پدیده مورد مطالعه باشد. به همین دلیل انجام پژوهش‌ها با رویکرد گراند، در کشورهای در حال توسعه از اهمیت بالایی برخوردار است. دلیل این امر هم آن است که در این کشورها مطالعات کمتری رشد داشته و بیشتر محدود به مراکز و نهادهای پژوهشی است. گراند محقق را به پژوهش در خود بستر تحقیقی رهنمون می‌سازد و موجب می‌شود تا محقق با دیدگاه درونی مصاحبه شونده‌گان و تجربه آنان آشنا شده و به دنبال چپستی و چگونگی مسئله مورد نظر خود باشند. لذا محقق می‌بایست برای انتخاب نمونه خود از افراد و گروه‌هایی استفاده کند که منابع غنی در مورد پدیده و مسئله را در اختیار می‌گذارند. این افراد یا مطلعین کسانی‌اند که همواره تجربه زیسته‌ای از موضوع داشته و حضور فعالی در کم‌وکیف پدیده دارند (Tabibian, Valadkhani, 2018). در واقع این راهبرد به جای بررسی ادبیات پژوهش و آزمون نظریه تدوین شده، در پی ایجاد نظریه از طریق تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده است. در زمانی که نظریه‌های موجود، به مشکل مورد نظر یا به مشارکت کنندگان در فرآیندی که در برنامه مطالعه وجود دارد، نمی‌پردازد، نظریه پرداز، نظریه پردازی داده بنیاد، یک نظریه «تولید» می‌کند، از آنجا که این نظریه در داده‌ها «بنیان» دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعا کارآمد است، افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آنها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعا در فرآیند یافت می‌شود را نشان دهد. این نوع پژوهش گفتگویی میان داده‌هاست که پژوهشگر میانجی یا مترجم این گفتگوست. داده‌ها در پرتو نظریه‌ای که در حال تکوین است تفسیر و باز تفسیر می‌شوند. اگر تبیین رضایت بخش با اشباع نظری حاصل آمد و پاسخ‌های متقاعد کننده‌ای به پرسش‌ها داده شد می‌تواند فرآیند را متوقف ساخت (Blaikie, 2019).

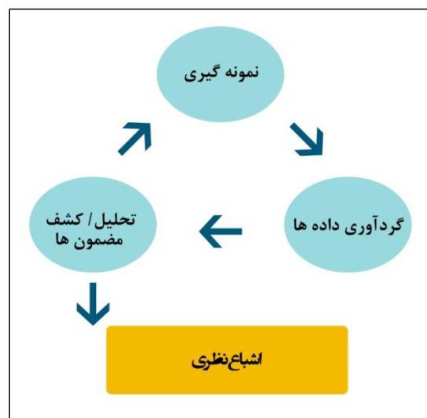
طرح پرسش در نظریه زمینه‌ای

در رابطه با پرسش اصلی پژوهش - الگوهای رفتار شهروندان در بافت مرکزی شهر رشت چگونه تحت تاثیر جهانی شدن تغییر نموده است - باید مصاحبه‌ها، مشاهدات و تحلیل اسناد مصاحبه و مشاهدات صورت گیرد. فرض اصلی پژوهش بر این اصل استوار است که الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای عمومی شهری تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن تغییراتی را متحمل شده است. در این راستا در ابتدا پرسش‌هایی به صورت باز مطرح شده و در ادامه به تدریج خاص‌تر و پالایش یافته‌تر می‌گردد. در نهایت این پرسش‌ها باید پژوهش را به سمت شکل دادن به یک نظریه رهنمون سازد. بنابراین با روش نمونه گیری غیر احتمالی همگون از دو گروه متخصصین شهرسازی که آشنا با مفاهیم الگوهای رفتاری و جهانی شدن می‌باشند و فضای شهری مرکز شهر رشت را تجربه نموده‌اند و همچنین شهروندان عادی ساکن رشت با تجربه حضور و استفاده از این فضا، سوال می‌شود. هدف از گروه بندی مصاحبه شونده‌گان بدین ترتیب این بوده است که با توجه به نو و بدیع بودن موضوع پژوهش و تا حدودی سخت بودن مفاهیم آن در نظر عامه مردم بهتر دانسته شد تا از افرادی مصاحبه شود که آشنایی نسبی با موضوع پژوهش داشته باشند. در مورد گروه دوم لازم است ابتدا مقدمه‌ای کافی درباره مفاهیم مطرح شده (الگوهای رفتاری و جهانی شدن) برایشان عنوان گردد تا بتوانند با دقت بیشتری به پرسش‌ها پاسخ دهند. همچنین در این گروه نیز تلاش شده است از شهروندانی مصاحبه گردد که تحصیلات آکادمیک را پشت سر گذاشته باشند تا دقت داده‌ها بیشتر شود. در نهایت نظرات هر دو گروه جمع می‌گردد (صدای ضبط شده گفتگوها موجود می‌باشد و در صورت نیاز ارائه می‌گردد). شایان ذکر است که در شرح گفته شده تلاش می‌گردد هیچ گونه گرایشی به مصاحبه شونده داده نشده و افراد به‌طور کاملاً شخصی و بر اساس تجربه زیست شده خود به پرسش‌ها پاسخ گویند.

اولین پرسشی که در این بخش مطرح می‌گردد این است که به نظر شما رفتار شهروندان در فضای عمومی مرکز شهر رشت در سال‌های اخیر چه تفاوتی داشته است؟ پس از مطرح شدن این پرسش، مواردی در ادامه طرح می‌گردند که به پروراندن نظریه در حال تکوین منجر می‌شود. ممکن است در پاسخ به سوال کلی، مصاحبه شونده‌گان عنوان نمایند که «مردم با سرعت کمتری از کنار یکدیگر عبور می‌کنند» در این زمان سوالات دیگری پرسیده می‌شود «این سرعت کمتر منجر به تعامل اجتماعی بیشتر شده است؟»، «مردم برای چه در این فضا حضور می‌یابند؟» و ... مصاحبه شونده می‌گوید: «برای پیاده روی، گشت و گذار و خرید»، حال پرسیده می‌شود «چه چیزی وجود داشته که باعث شده مردم این فضا را برای انجام چنین فعالیت‌هایی مناسب بدانند؟» و به همین ترتیب پرسش و پاسخ ادامه می‌یابد. این نوع پرسش‌ها نه تنها پاسخ پرسش کلی را مشخص می‌کنند بلکه مسایل دیگری را نیز در ادامه با خود به همراه می‌آورند. این پرسش‌ها کمک خواهند کرد تا در ارتباط با موقعیت نمونه گیری نظری و یا پرسش از دیگر مصاحبه شونده‌گان بهتر تعمق نموده و نیاز به مشاهدات دیگر روشن می‌گردد.

نمونه‌گیری در نظریه زمینه‌ای

نمونه‌گیری در نظریه زمینه‌ای عبارت است از فرآیند گردآوری داده‌ها برای خلق نظریه تا به موجب آن تحلیل‌گر، داده‌ها را گردآوری، کدبندی و تحلیل کند و تصمیم بگیرد چه داده‌هایی را گردآوری و آنها را از کجا پیدا کند تا هم‌زمان با تکوین نظریه، آن را توسعه دهد (Yu, Smith, 2021). نمونه‌گیری در پژوهش حاضر به صورت هدفمند می‌باشد. روش نمونه‌گیری هدفمند به این معنی است که بتواند بر حسب موضوع، مسئله و موقعیت پژوهش، گروه‌های هدف اطلاع‌رسان را تعریف کند (Farasatkah, 2016). همچنین تکنیک به‌کار رفته در نمونه‌برداری در این پژوهش در گروه متخصصین از نوع گلوله برفی می‌باشد. نمونه‌گیری گلوله برفی روشی است که براساس آن، واحدهای نمونه ضمن ارائه اطلاعات در مورد خود، درباره واحدهای دیگر جامعه نیز اطلاعاتی را در اختیار محقق قرار می‌دهند (Strauss, 1998). روش کار به این صورت بود که ابتدا یک متخصص اولیه جهت مصاحبه انتخاب شده و در ادامه بر اساس معرفی وی با سایر متخصصین بعدی مصاحبه انجام شده است. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود و فرآیند تحلیل قیاسی و مقوله‌سازی تا مرحله اشباع نظری پیش می‌رود. یعنی تا جایی که داده‌های اضافی منجر به بینش جدید نشوند و اطلاعات تازه‌ای در بر نداشته باشند.



شکل ۳. فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری، ماخذ: Golrokh, 2013

Figure 3. The process of collecting and analyzing data until reaching theoretical saturation, Source: Golrokh, 2013

شیوه گردآوری داده‌ها

پژوهش حاضر در پاسخ به پرسش پژوهش از شیوه ترکیبی در گردآوری داده‌های خود استفاده می‌نماید. این شیوه‌ها شامل:

- استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالعات میدانی، برداشت عکس و تهیه نقشه....

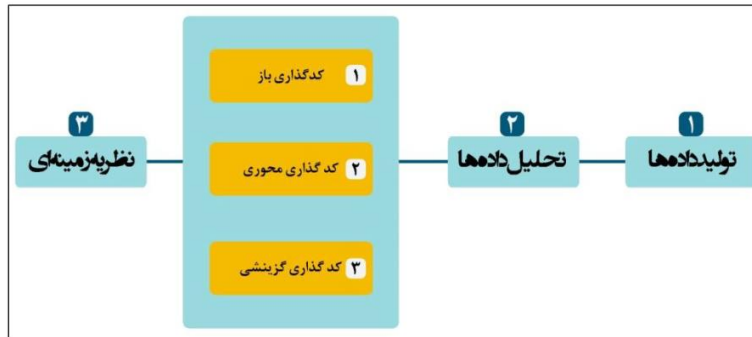
- مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته (مصاحبه عمیق)^۱

در نظریه داده‌بنیاد شاخص نداشته و به جای آن از ویژگی شاخص‌ها یا متغیرها کمک می‌گیریم. همچنین فرضیه‌ای نداریم و به جای آن به سوالات و اهداف پژوهش تاکید می‌شود. ملاک تعداد مصاحبه شوندگان در نظریه زمینه‌ای رسیدن به اشباع نظری می‌باشد. در این پژوهش با ۱۰ نفر از متخصصین در حوزه‌های مرتبط با شهرسازی که از ساکنین رشت بودند و تجربه استفاده از فضای عمومی مرکز شهر رشت را داشتند مصاحبه به عمل آمد و اشباع نظری حاصل شد. برای اطمینان بیشتر مصاحبه تا ۱۵ نفر ادامه یافت.

تحلیل داده‌ها

پس از انجام مصاحبه و پیاده سازی جهت تحلیل اطلاعات از شیوه کدگذاری استفاده گردید. مهمترین رکن در فرآیند تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، کدگذاری است. کدگذاری شامل خواندن دقیق و خط به خط داده‌ها و تبدیل آنها به کوچکترین جزء ممکن است (Amerani, 1400). کدها در واقع حاصل تجزیه و تحلیل میکروسکوپی داده‌ها هستند (Strauss, 1998). کدگذاری در روش گراند تئوری در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (گزینشی) انجام می‌شود. در این پژوهش نیز جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه از هر سه فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شده است. زمانی که هر سه فرآیند کدگذاری به صورت هم‌زمان با یکدیگر و نه متوالی در یک پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرند روش گراند تئوری بسیار کاربردی‌تر خواهد بود (Elrosa, 2005).

شیوه ای که روی بحث و محتوای بحث تا حدودی کنترل داشته و هم‌زمان شرکت کنندگان بر روی شرح و یا انتخاب جهت‌های جدید ولی مرتبط، آزاد هستند. در این نوع مصاحبه سوالات از قبل مشخص می‌شود و از تمام پاسخ دهندگان، پرسش‌های مشابه پرسیده می‌شود؛ اما آنها آزادند که پاسخ خود را به هر طریقی که می‌خواهند پاسخ دهند. البته در راهنمای مصاحبه جزئیات مصاحبه، شیوه بیان و ترتیب آنها ذکر نمی‌شود. این موارد در طی فرآیند مصاحبه تعیین می‌شوند (دلور، ۱۳۸۳، ص ۱۵۷-۱۵۸؛ بی، ۱۳۸۴، ص ۶۰۰).



شکل ۴. مراحل تحلیل در نظریه زمینه‌ای

Fig 4. The stages of analysis in grounded theory

کد گذاری باز

در یک مطالعه کیفی، کدگذاری گامی اساسی در فرآیند تجزیه و تحلیل است که امکان تجزیه داده‌ها به بخش‌های معنادار را فراهم می‌کند (Yu, Smith, 2021). در کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا خرد می‌شوند و با دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند و از جهت شباهت و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه می‌گردند (Tabibian, Valadkhani, 2018). کدگذاری باز اولین مرحله از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در روش گراند تئوری می‌باشد. این مرحله به این دلیل باز نامیده می‌شود که محقق با ذهنی باز و بدون هیچ محدودیتی در تعداد کدها و مقوله‌ها اقدام به استخراج کدها و ساخت مقوله‌ها می‌کند (Golding, 2002). کدگذاری باز، شامل یک فرآیند تحلیلی است که از طریق آن ابتدا مفاهیم در داده‌ها کشف می‌شوند و سپس مفاهیم برای تشخیص دادن پدیده‌های مشابه با هم مقایسه شده و تحت عنوان مقوله طبقه بندی می‌شوند (Strauss, 1998). بنابراین می‌توان گفت که کدگذاری باز شامل خرد کردن، مقایسه، مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی داده‌ها است (Danayee Far, Emami, 2017).

مفهوم سازی نخستین گام در نظریه پردازی است که با نام گذاری روی پدیده‌ها موجب می‌شود که پژوهشگر بتواند رویدادها، اتفاق‌ها و اشیا مشابه را با یک عنوان یا در یک رده قرار دهد. مقوله سازی دومین گام است که پس از استخراج چندین مفهوم، پژوهشگر می‌تواند مفاهیم را ذیل گروهی انتزاعی‌تر دسته‌بندی نماید. در حقیقت مقوله‌ها، مفاهیم برگرفته از داده‌هایند (مصاحبه‌ها یا اسناد) که نمایند پدیده مد نظر می‌باشند. نام این مقوله‌ها می‌تواند منبعث از مفاهیم موجود باشد یا می‌تواند از مفاهیم جا افتاده رشته یا حرفه با احتیاط و پرهیز از سمت‌گیری ذهنی انتخاب شوند و یا از درون کدهای جنبی به دست آیند. کدهای جنبی واژه‌ای گیرا در سخن مصاحبه شونده است که بلافاصله نظر تحلیلگر را به خود جلب

می‌کند. برای انجام کد گذاری باز سه روش وجود دارد: تحلیل سطر به سطر، تحلیل پاراگرافی، تحلیل تمامی یک مدرک به‌طور کلی. این پژوهش از تحلیل سطر به سطر بهره گرفته است.

در مرحله کدگذاری باز، ۵۳۷ کد از ۱۵ مصاحبه دقیق با خبرگان و متخصصان حوزه پژوهش استخراج گردید و در نهایت ۱۸ مقوله شناسایی شده‌اند. نتایج این مرحله شامل شکل‌گیری مفاهیم اولیه و مقوله‌های حاصل از آنها در جدول 3 نشان داده شده است. همچنین در یک مقیاسی بالاتر از مقوله سعی گردید تا مفهومی انتزاعی‌تر را از قیاس بین مقوله‌ها با یکدیگر شناسایی نمود و آنها را در دسته‌هایی که بتوانند ویژگی‌های مقوله‌ها را یادآور شوند قرار داد:

جدول ۳. مفاهیم و مقوله‌های حاصل از کد گذاری باز، ماخذ: نگارندگان

Table 3. Concepts and categories resulting from open coding, Source: authors

کلان مقوله	مقوله	کدهای اولیه
بعد اجتماعی	پذیرش دیگری	بیشتر شدن حضور- معاشرت و تعاملات اجتماعی
بعد اجتماعی	پانوق	گروه های سنی مختلف
بعد اجتماعی	هویت مندی	مجموعه تاریخی شهرداری- حس تعلق
بعد اجتماعی	انسان مداری	دسترسی- حذف چراغ راهنمایی- حذف تراکم نقطه ای- ایمنی
بعد اجتماعی	تنوع اجتماعی	گروه های قومی مختلف- طبقات اجتماعی متنوع
بعد فرهنگی	پیاده مداری	حذف ترافیک سواره- ماندن بیشتر در فضا- مکث و توقف-
بعد فرهنگی	سرزندگی	غذا خوردن- ساز زدن- نقاشی- تئاتر خیابانی- جشنواره ها- گشت و گذار ارزان- صنایع دستی-
	فعالیت‌های تازه	کافه ها- سینما- کتابفروشی- بازی های گروهی
	هنر خیابانی	
بعد فرهنگی	مصرف گرایی	خرید غیر ضرور و از سر تفریح- صنعت مد و فشن
بعد فرهنگی	منفعت عمومی	فعالیت ۲۴ ساعته- امنیت- مقیاس انسانی
بعد اقتصادی	تنوع اقتصادی	خرید- بازار- تنوع کاربری ها- فراوانی کاربری ها- دستفروشها- رقابت
بعد فناوری اطلاعات و ارتباطات	دعوت کنندگی	عکاسی- شبکه های مجازی- توریست بیشتر- انتقال سریع تکنولوژی
بعد فناوری اطلاعات و ارتباطات	دل بستگی	المان های شهری- میلمان- خاطره انگیزی و ثبت خاطرات
		شباهت فضاهای عمومی دنیا
بعد زیست محیطی	طراحی شهری	تجهیزات عمومی- طراحی- کمبود فضای سبز- پرنده ها- آسمان- آرامش بیشتر- سرعت کمتر-
		بازطراحی فضای موجود
بعد سیاسی	نهاد مدیریتی	دانش و آگاهی بیشتر مدیران- وضع مقررات
بعد سیاسی	دموکراسی	انتقادات- دانش و آگاهی بیشتر شهروندان- تجمعات اعتراضی
بعد سیاسی	خفقان	گشت ارشاد- استفاده ابزاری از فضا برای تحمیل عقاید سیاسی

۱. کدگذاری محوری

فرآیند مرتبط کردن مقوله‌های استخراج شده از مفاهیم «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود، زیرا کدگذاری محوری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد و مقوله‌ها را در سطح ابعاد و ویژگی‌ها به یکدیگر مرتبط می‌کند. کدگذاری محوری به چگونگی تلاقی مقوله‌ها با یکدیگر و نحوه اتصال آنها نظر دارد. از لحاظ ترتیب کار، کدگذاری محوری شامل چند اقدام ابتدایی است:

- بیان کردن ویژگی‌های یک مقوله و ابعاد این ویژگی‌ها. این کار در مرحله کدگذاری باز آغاز شد.
- شناسایی انواع شرایط، کنش‌ها و پیامدهای ملازم یک پدیده؛

جهانی شدن و الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای شهری؛ طراحی مدل و تبیین با نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعاتی: ۱۰۵)

- مرتبط کردن یک مقوله به دیگر مقولات از طریق چگونگی ارتباط مقولات به هم؛
 - جستجوی سرنخ‌هایی در داده‌ها که نشان‌دهنده رابطه مقوله‌های عمده با یکدیگر باشند.
- در این مرحله از یک «مدل پارادایمی» به عنوان طرحی استفاده می‌شود که می‌تواند مرتب کردن و سامان دادن به ارتباطات بین مقولات کمک نماید. تدوین مدل پارادایمی در شناسه‌گذاری محوری نقش مهمی دارد و با توضیح و بیان منطقی مقولات، آن مقولات موثر در نظریه‌پردازی را شناسایی می‌کند تا در قالب خط داستان به هم دوخته شوند (Tabibian, 2018). اجزای تشکیل دهنده یا به عبارتی مولفه‌های مدل پارادایمی که در شکل 5 نشان داده شده است.



شکل ۵. عناصر اصلی پارادایم در کدگذاری محوری؛ ماخذ: عامرانی و همکاران، ۱۴۰۰

Figure 5. The main elements of the paradigm in axial coding; Source: Amerani et al., 1400

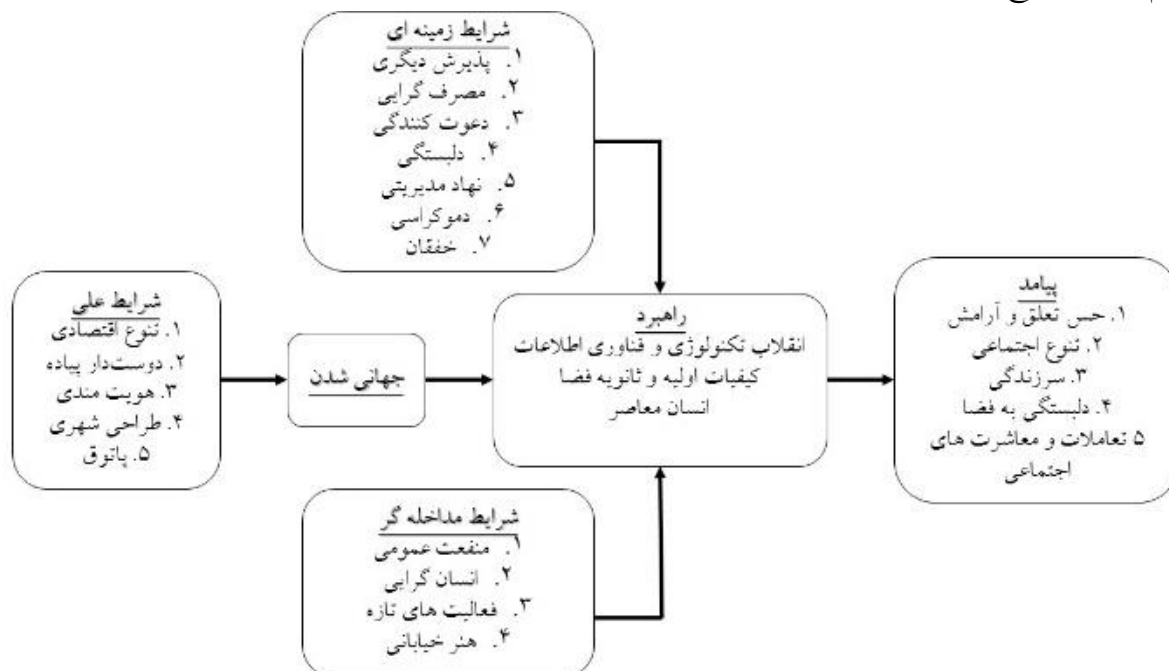
مقوله محوری؛ مرکز فرآیند در حال بررسی است که سایر مقوله‌ها به آن ربط داده می‌شود.

شرایط علی یا سبب‌ساز: معمولاً آن دسته رویدادهایی و وقایع‌اند که بر پدیده اثر می‌گذارند (Danayee far, Emami, 2017). به عبارتی آن مجموعه شرایطی است که در محیط برنامه‌ریزی تاثیرگذار بوده ولی به عنوان کلان روندها در محیطی فراتر از محیط برنامه وجود دارند و به‌طور غیر مستقیم بر پدیده مورد نظر تاثیرگذارند (Vahidi Borji, 2017). مقوله «تنوع اقتصادی» در وجود انواع کاربری‌ها و فعالیت‌ها در فضای عمومی مورد بررسی خلاصه‌پذیر است. بنابراین هر آنچه استفاده‌کنندگان از فضا نیاز دارند از انواع محصولات قابل ارایه گرفته تا تنوع قیمتی؛ از آن برخوردارند. طراحی فضایی پیاده‌مدار در طرح نهایی اجرا شده سبب شده است تا فضای مورد مطالعه امروز محیطی «دوست‌دار پیاده» باشد، همچنین «هویت مندی» و «طراحی شهری» که توانسته نیازهای گشت و گذار، پرسه زنی، قدم زدن و سلامتی، تعامل اجتماعی و ایمنی افراد را به‌راحتی تامین نماید. لذا مناسب بودن و امنیت بالای فضا برای تمامی سنین که در نهایت به دستیابی به مقوله «پاتوق» منجر شده است که خود علتی است از آنچه ناظران به‌عنوان حس تعلق و خاطره‌انگیزی آن را بیان می‌کنند.

شرایط زمینه‌ای: مجموعه شرایطی است که در محیط برنامه‌ریزی تاثیرگذار بوده ولی به‌عنوان کلان روندها در محیطی فراتر از محیط برنامه وجود دارند و به‌طور غیرمستقیم بر پدیده مورد نظر تاثیرگذارند (Vhidi Boji, 2017). مقوله «پذیرش دیگری» به‌واقع از توان برنامه‌ریزی خارج است و از فرهنگ حاکم در جامعه نشأت می‌گیرد. طراحان و برنامه‌ریزان سعی می‌کنند تا استراتژی‌های خود را در راستای تطابق با آنها پی‌ریزی کنند ولی همواره نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که در

یک فضای عمومی این مفهوم قابل دست‌یابی باشد. همچنین عواملی که تحت عنوان کلان مقوله «بعد سیاسی» و «بعد فناوری و ارتباطات» و همچنین مقوله «مصرف گرایی» ذکر گردیدند نیز در این دسته قرار می‌گیرند. شرایط مداخله‌گر/تداوم: مجموعه عوامل هستند که موجب تداوم پدیده حاضر می‌شوند (Danayee Far, Emami, 2017). و شامل شرایط عمومی می‌باشد که بر راهبردها اثر می‌گذارد و آنها را تسهیل یا محدود و مقید می‌سازد و می‌توان گفت این شرایط مجموعه عواملی هستند که موجب تداوم پدیده حاضر می‌شوند. راهبردها؛ کنش‌ها یا تعاملاتی هستند که برای اداره پدیده محوری اعمال می‌شود و پیامدها (پیامدهای خاصی که از عوامل فوق ناشی شده است) حاصل این کنش‌ها و تعاملات می‌باشند. در نظریه «منفعت عمومی»، «انسان گرایی»، «فعالیت‌های تازه» و تعامل مردم با «هنر خیابانی» فرآیندهایی هستند که همچنان ادامه دارد و انقطاع آن مسلماً عوارضی همچون ناامنی و بروز تضادها را در پی خواهد داشت.

شرایط پیامدی: پیامدهای خاصی که از عوامل فوق ناشی شده است. «حس تعلق» و آرامشی که امروز در شهروندان حاضر در فضا دیده می‌شود، «تنوع اجتماعی» و «سرزندگی» و «دلبستگی به فضا» و تعاملات و معاشرت‌های اجتماعی، با گذشت زمان و در نتیجه عوامل دیگری که ذکر شد پدید آمده‌اند. شکل 6 حاصل تحلیل دوباره داده‌ها بر اساس مدل پارادایم است و نتایج کدگذاری محوری در این پژوهش را نشان می‌دهد.



شکل ۶. کدگذاری محوری بر اساس مدل پارادایمی حاصل از یافته‌های پژوهش، ماخذ: نگارندگان

Fig 6. Axial coding based on the paradigm model resulting from research findings, source: authors

۲. کدگذاری گزینشی

کدگذاری گزینشی فرآیند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه است. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها در حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح‌دهندگی دارد، مرتب می‌شوند. یکپارچه‌سازی، به تدریج و از نخستین گام‌های تحلیل روی می‌دهد و اغلب تا آخرین مراحل تهیه نوشته نهایی نیز ادامه می‌یابد. مهم‌ترین بخش از مرحله شناسایی «مقوله مرکزی» از میان مقولات است. مقوله مرکزی باید بیشترین قدرت در تبیین نظریه را داشته باشد (Tabibian, Valadkhani, 2018). ملاک‌های گزینش مقوله مرکزی عبارتند از:

- مرکزی باشد، بدین معنا که سایر مقوله‌های عمده را بتوان به آن ربط داد؛
- در داده‌ها مکرراً پدیدار شود؛ بدان معنا که در تمام یا کم و بیش تمام موردهای تحت مطالعه نشانه‌های اشاره به آن وجود داشته باشد؛
- توضیحی که با مرتبط کردن مقوله‌ها پدید می‌آید منطقی و یک دست باشد و چیزی نباشد که به‌زور به همه چیز مربوط شده باشد؛
- نام یا عبارتی که برای توصیف مفهوم مرکزی به‌کار رفته است باید به‌قدر کفایت انتزاعی باشد تا بتواند برای انجام پژوهش در سایر عرصه‌ها به‌کار رود و منجر به پرورده‌شدن مقوله کلی‌تر گردد؛
- با پالایش یافتن آن به‌صورت تحلیلی از طریق یکپارچه‌سازی با سایر مفاهیم، عمق و قدرت تبیین آن بیش‌تر شود.
- مفهوم بتواند گوناگونی‌ها و نیز نکته اصلی موجود در داده‌ها را تبیین کند، بدین معنا که تبیین با تغییر شرایط معتبر بماند.

یافته‌های تحقیق

در صحبت‌های متخصصینی که مورد مصاحبه قرار گرفته اولین چیزی که نمایان می‌شود نوعی «حس تعلق» به فضای عمومی مرکزی شهر رشت می‌باشد. در تمام گفتگوهای صورت گرفته افراد به نحوی در مورد فضای مورد مطالعه صحبت می‌کردند که احساس «دلبستگی» به فضا کاملاً قابل برداشت بود. حذف «ترافیک سواره» و «چراغ راهنمایی» که در تمام گفتگوها به عنوان یک عامل منفی مهم در گذشته فضا قرار داشته و بدین ترتیب «امنیت» به وجود آمده برای عابرین پیاده به همراه فضا و عرصه کافی برای پیاده روی، خرید، گشت و گذار، بازی برای این افراد بسیار حائز اهمیت بود، امنیتی که در مواردی بر «امنیت فیزیکی» دلالت داشت و یا نمودی از «امنیت روانی» را با خود به‌همراه می‌آورد. صحبت کردن از ارتباطات تازه و معاشرت‌های اجتماعی، لبخندهایی که افراد به هم تقدیم می‌کنند، گفتگوهای کوتاه تا قرارهای منظم دوستانه در کنار ایجاد «پاتوق»‌های هم‌سالان ضمن ارتقای «پذیرش دیگری» خبر از نوعی هویت مشترک میان شهروندان می‌داد، هویتی که نقش عوامل فیزیکی چون «مجموعه تاریخی شهرداری» و «سبزه میدان» و «کافه‌ها» در کنار آن مشهود بود. به نظر می‌رسید که «فراوانی کاربری» و «تنوع آن» در کنار «عرصه‌هایی برای گذران اوقات فراغت» ظرفی بود که نه‌تنها توانسته است

نیازهای شهروندان را برطرف سازد که موفق شده است به روشنی نوعی وابستگی و هویت‌مندی را برای آنها ایجاد نماید. در کنار این مقولات و مفاهیم، «انسان‌مداری» مقوله بسیار کلیدی دیگری است که اتصال کاربری‌ها و عرصه‌ها به یکدیگر از نگاه افراد را برعهده دارد. تغییرات صورت گرفته در سال‌های اخیر در شکل و فعالیت فضا حول این مفهوم کلیدی شکل گرفته و تا حد زیادی از تجارب انسان‌مدار بودن مراکز شهرهای موفق جهان ایده گرفته شده است. «تفکیک حرکتی» بین سواره و پیاده موجب شده است تا «ایمنی برای کودک» و سایر افراد پدید آید و افراد پیاده‌روی را بخشی از زندگی خود احساس کنند. اگرچه ویژگی‌های ظرف بسیار مهم است و در تمامی گفتگوها نقدهای وارده بر طراحی فضا به جد مطرح گردید و به خصوص طراحی ضعیف المان‌ها، کف‌سازی و اغتشاش بصری کف پیاده‌روها، فضای سبز غیر بومی و ناکافی، روشنایی ضعیف شبانه و بدنه‌های معیوب در قسمت‌هایی از فضا و مبلمان ناکافی به شدت مورد نقد واقع گردید ولیکن باز طراحی و به روز رسانی فضا با ایده‌های جهانی بدین ترتیب سبب ساز اصلی احساس رضایتی است که در افراد استفاده‌کننده از فضا وجود دارد. موضوع مهم دیگر اینکه که در گفتگوهای انجام شده تنها بستر کالبدی مورد تاکید اصلی قرار نگرفت. تعامل میان مردم و رفتارهایی که در گذشته فضای مورد مطالعه وجود نداشته است موضوع دیگر است؛ فعالیت‌های تازه‌ای که در نهایت سبب ساز «سرزندگی» بیشتر در فضا شده است. بازی افراد غریبه با هم، ساز زدن، جشنواره‌ها، نقاشی، تئاتر خیابانی بخشی از رفتارهای تازه‌ای است که در سال‌های اخیر به فضا اضافه گردیده. رفتارهایی که به نوعی از ارزش‌های خاص فرهنگی نشأت می‌گیرد و همواره از ویژگی‌های فضاهای عمومی موفق جهانی بر شمرده می‌گردد. مقوله «پذیرش دیگری» در حقیقت بیانی از کدهای ارزشی خاص در تک‌تک افراد بود که اجازه می‌داد تا بتوانند در کنار یکدیگر به‌شیوه‌ای آرام بخش در فضا حضور پیدا نموده و لذت ببرند. کدهای ارزشی کلان‌تری نیز وجود داشت که «تنوع اجتماعی» را رغم می‌زد و در مصاحبه‌ها از حضور «طبقه اجتماعی-فرهنگی» متنوع ریشه می‌گرفت. این تنوع اجتماعی از نظر بسیاری، در چند سال اخیر به واسطه گسترش «فضاهای مجازی» اتفاق افتاده است. می‌توان این‌گونه بیان داشت که «پذیرش دیگری» سبب شده است تا افراد یکدیگر را به رسمیت بشناسند، و «تنوع اجتماعی» همگان را در غالب یک کلیت بزرگتر گردهم آورد. از مصاحبه‌ها این چنین بر می‌آید که به واسطه رشد شبکه‌های مجازی و انتشار تصاویر حضور افراد در فضای مورد مطالعه یا انتشار تصاویر و فیلم‌هایی از خود مجموعه مرکزی شهر رشت سبب ارتقای مفهوم «حس تعلق» و همچنین «دعوت‌کنندگی» بیشتر به این فضا و «خاطره‌انگیزی» شده است. اگر در گذشته دلیل مهم حضور در فضا خرید، سینما رفتن و سر زدن به کتابفروشی‌ها بود، در اکثر گفتگوها عنوان شد که پاساژها و هایپرمارکت‌های بزرگ بهتری در شهر رشت در سال‌های اخیر احداث گردیده که برای خرید مناسب‌تر می‌باشد، یا اینکه تعطیلی سینماها در دو سال اخیر بابت همه‌گیری ویروس کرونا نتوانسته مانع حضور در فضا شود. چرا که امروزه حضور در فضا به واسطه آیت‌های عنوان شده در سابق که ذکر گردید نمی‌باشد. عمومی بودن، باز بودن و البته در تعامل با مردم و «هنر خیابانی» بودن مهم‌ترین دلیل دعوت مردم به این فضا است. در نهایت نخ تسبیحی که توانسته تمامی این شرایط را در کنار یکدیگر

جهانی شدن و الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای شهری؛ طراحی مدل و تبیین با نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعاتی: ۱۰۹)

حفظ و تداوم ببخشد «نهادهای مدیریتی» آگاه به «منفعت عمومی» و «فرهنگ عمومی» بالایی است که برون‌گرایی^۱ از ویژگی‌های ذاتی آن بوده و به واسطه آن سنگ بنای اولیه حضور در فضا گذاشته می‌شود و به وسیله تغییرات عمده در سبک زندگی و کار مردم در دنیای معاصر و از این‌رو نیاز به یک فضای عمومی به روز رسانی شده این حضور در فضا به همراه مکث و آرامش بیشتر تداوم می‌یابد. اگر در گذشته مردم بیشتر برای تامین نیازهای ضروری خود از جمله خوراک، پوشاک، تفریح (سینما- سبزه میدان) و یا تهیه کتاب به این فضا وارد می‌شدند، و بعد از انجام دادن آن با سرعت فضا را ترک می‌کردند و از ازدحام نقطه‌ای پشت چراغ راهنمایی میدان شهرداری متنفر بودند، امروز بیشتر برای قدم زدن، تماشا کردن و لذت بردن به این فضا وارد می‌شوند و ساز زدن، آواز خواندن، دیدن پرنده‌ها و آسمان و حتی آدم‌ها حالشان را بهتر کرده و مدت بیشتری در فضا می‌مانند و برای خروج از آن عجله‌ای نمی‌کنند.

نتیجه‌گیری و دستاورد پژوهشی

پژوهش حاضر از یک استاندارد یکسان برای شهرها بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و استعدادهای محلیشان صحبت و یا از آن دفاع نمی‌کند و اذعان می‌شود که استانداردهای جهانی باید در راستای تقویت استعدادهای بومی / محلی به کار گرفته شود. اما این مطلب که انسان عصر جهانی در جستجوی افزایش سطح کیفیت زندگی از تغییرات مثبت جهانی شدن استقبال می‌نماید، نیز قابل توجه است. نیاز به استفاده از جهانی شدن به ویژه از نظر مردم، محصولات، ایده‌ها، فرهنگ و سرمایه برای طراحی و توسعه مثبت شهرها به گونه‌ای است که سطح زندگی و کیفیت زندگی مردم را افزایش دهد. به مقامات و معماران داخلی و محلی برنامه‌ریزی به شدت توصیه می‌شود که استانداردهای بین‌المللی روز را اتخاذ نمایند تا پیشرفت‌ها و طرح‌هایی با استاندارد و کیفیت بین‌المللی ارائه دهند. شهرها یا مدیران شهری باید منابع عمومی را به نحوی مدیریت نمایند تا بتوان این سرمایه‌های عظیم جهانی را به آنها سپرد.

بررسی منابع مرتبط با موضوع پژوهش نشان می‌دهد که موضوع تغییر الگوهای رفتاری در فضاهای شهری در عصر جهانی شدن نیازمند بررسی و تحلیل بیشتر می‌باشد. نوآوری پژوهش حاضر نیز علاوه بر تبیین یک طرح نظری جدید، پرداختن به این موضوع و جمع‌آوری شاخص‌های پژوهش از منابعی می‌باشد که به صورت جداگانه موارد مدنظر پژوهش حاضر را مطرح نمودند.

به‌طورکلی نتایج تحقیق نشان داده است جهانی شدن مفهومی است که بر روابط متقابل افراد و فضا و از این‌رو الگوهای رفتاری در یک مکان جغرافیایی موثر بوده و با قرارگرفتن در هسته مرکزی نظریه زمینه‌ای این پژوهش می‌تواند ارتباط بین

تحقیقات بسیاری درباره برون‌گرا بودن مردم و فضاهای ساخته شده در شمال ایران منتشر شده است.^۱

مقولات و مفاهیم را قابل شناسایی نماید. این تاثیر در هر سه جنبه از فعالیت‌های انسان در فضاهای شهری (اختیاری، اجتماعی، ضروری) وجود داشته و در غالب مولفه‌های فیزیکی، محیطی، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی به وقوع می‌پیوندد. بنابراین با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته فضای عمومی مرکزی شهر رشت در بستر جریان جهانی شدن هم از نظر کالبد و هم از نظر فعالیت به‌روز رسانی شده است و در این میان الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان از فضا نیز تغییرات عمده‌ای داشته است. از این رو در بررسی این موضوع، علاوه بر تغییرات عمده فیزیکی و محیطی در محدوده که تحت تاثیر ایده فضاهای انسان‌مدار (در سطح جهانی) و با اتکا به فرهنگ محلی اجرا و به طراحی پیاده‌راه فرهنگی شهر رشت ختم گردید و همچنین ادامه‌دار بودن فعالیت‌های ضروری همچون گذشته در فضای مورد بررسی، عوامل زیر به عنوان مهم‌ترین تغییرات رفتاری منبعث از فرآیند جهانی شدن در بافت مرکزی شهر رشت مشاهده گردید:

- دعوت‌کنندگی بیشتر به فضای عمومی مرکز شهر رشت، توقف و مکث بیشتر در آن و نشستن (برای انجام فعالیت‌های اختیاری و در غالب اجرای مولفه‌های فیزیکی، محیطی و اجتماعی - فرهنگی).
- بروز رفتارهای جدید در نمونه مورد پژوهش از جمله فعالیت‌های هنری در خیابان (ساز زدن، نقاشی، عکاسی و جشنواره‌ها) پاتوق‌های هم‌سالان، بازی‌های گروهی با غریبه‌ها، نشستن به گفتگو و معاشرت‌های اجتماعی و پیاده روی و پرسه زنی با آرامش (همچنان در غالب فعالیت‌های اختیاری و در غالب اجرای مولفه‌های فیزیکی، محیطی و اجتماعی - فرهنگی).

راهکارها

به منظور ارائه توصیه‌ها و پیشنهاداتی برای حفظ سرزندگی و دعوت‌کنندگی فضاهای عمومی در شهرها در عصر جهانی شدن و همچنین تاثیر مثبت بر الگوهای رفتاری شهروندان، توجه به استانداردهای جهانی ضروری می‌باشد. این مهم در کنار توجه به ظرفیت‌ها و استعدادهای بومی و محلی می‌تواند به حضور شهر و فضاهای عمومی‌اش در عرصه رقابت جهانی کمک شایانی نماید. بنابراین مدیریت شهری و طراحی شهری می‌تواند زمینه ساز تحقق استانداردهای جهانی با تمرکز بر استعدادهای محلی گردد. طراحی و آماده‌سازی فضاهای عمومی شهری به طوری که مستقل از جنسیت، شرایط اقتصادی - اجتماعی و سنی باشد و همچنین توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی موجود در شهر می‌تواند نمونه‌ای از این راهکارها باشد.

به عنوان مثال برای افزایش دعوت‌کنندگی، نشاط و سرزندگی در فضای عمومی مرکز شهر رشت می‌توان با توجه به زمینه‌های فرهنگی موجود از جمله فرهنگ برون‌گرایی و شادی‌های دسته جمعی به عنوان استعداد بومی و محلی و با ابزار برنامه‌ریزی و طراحی فعالیت‌هایی را مدیریت و اجرا نمود که رشت را به عنوان یک شهر سرزنده و شاد در سراسر دنیا معرفی نماید. در این راستا راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

- حذف فعالیت‌های سیاسی و جناحی در محدوده پیاده راه مرکزی.

جهانی شدن و الگوهای رفتاری شهروندان در فضاهای شهری؛ طراحی مدل و تبیین با نظریه زمینه‌ای (مورد مطالعاتی): ۱۱۱

- ایجاد و ارائه مبلمان شهری به تعداد و طرح مناسب و در مکان مناسب
- طراحی و اجرای روشنایی مناسب
- طراحی فضاهای سبز با استفاده از گیاهان بومی
- استفاده از ظرفیت شهر رشت به عنوان شهر جهانی غذا برای جذب گردشگر و رقابت جهانی و تبدیل حداقل یک خیابان از چهار خیابان پیاده محور منتهی به میدان شهرداری به خیابان غذا.
- استفاده از تکنولوژی‌های به‌روز در فضاهای عمومی، مواردی از قبیل چتر و ایفای، مسیر مخصوص استفاده از تلفن‌های همراه در حین پیاده روی و ...
- حمایت از حضور هنرمندان دوره‌گرد که می‌تواند بر جذب مخاطب و سرزندگی فضا تأثیر بگذارد و در واقع احساسات بصری و شنیداری را برانگیزد.
- توجه و مراقبت بیشتر از ساختمان‌های میراثی مجموعه شهرداری و تک بناهای میراثی در مجموعه پیاده‌راه.
- اعمال محدودیت برای نصب بنرها و عوامل دیگر بر بدنه‌های میراثی.
- حذف المان‌های نامناسب، تکراری و بی مفهوم از پیاده راه.
- برنامه‌ریزی مناسب برای آسایش اقلیمی پیاده (از جمله کاشت درخت و پیش‌آمدگی جداره خیابان)
- طراحی فضایی مناسب همچون آمفی تئاترهای روباز خیابانی برای اجرای جشنواره‌ها و نمایش‌های خیابانی.

References

- Abdollah Zade Fard, A. R. (2016). *Improving the quality of urban public spaces in the formation of social solidarity (case example: the surrounding area of Karimkhan Citadel, Shiraz city)*. *New Attitudes in Human Geography* 9 (1): 226-242. (In Persian with English Summary).
- Alipour, A., Saadati Jafar Abadi, H., Jabari, H. (2016). *Investigating the process of cultural globalization and its impact on the national and ethnic identity of Kurds from the point of view of graduate students of universities in Kurdistan province*. *New Attitudes in Human Geography* 8 (4): 61-75. (In Persian with English Summary).
- Amin, A., Thrift, N. (1994). *Globalization, institutions, and regional development in Europe*. Oxford; New York: Oxford University Press, Retrieved from: [https://research-information.bristol.ac.uk/en/publications/globalization-institutions-and-regional-development-in-europe\(5370969f-d869-45b8-b92b-84db2fd95aba\).html](https://research-information.bristol.ac.uk/en/publications/globalization-institutions-and-regional-development-in-europe(5370969f-d869-45b8-b92b-84db2fd95aba).html).
- Andrews, T. Cashwell, E., Leger, K. M., Kellogg, E. and O'Donnell, C. (2021). *The Grounded Theory Review* 20(1): 13-24.
- Artopoulos, G. Arvanitidis, P. Suomalainen, S. (2019). *Using ICT in the Management of Public Open Space as a Commons*. Smaniotto Costa et al. (Eds.): *CyberParks, LNCS 11380*: 167-180. https://doi.org/10.1007/978-3-030-13417-4_14.
- Askarizad, R. Safari, H. (2020). *The influence of social interactions on the behavioral patterns of the people in urban spaces (case study: The pedestrian zone of Rasht Municipality Square, Iran)*. *Cities* 101: 10268. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102687>.
- Azimi Soghin A., Hassani Ashourzadeh A., Muntajb S. (2017). *Analysis and evaluation of citizens' behavioral patterns in the new design of Shohada Square in Kerman (Mushtaq) and its relationship with social interaction criteria and physical-architectural elements*, *Shebak* 5 (50): 1-6. (In Persian with English Summary).
- Bahrainy, H. (2015), *Urban Space Analysis: in relations to behavior patterns*, Tehran: university of Tehran press, 256.
- Banerjee, T., Loukaitou Sideris, A. (1992). *Private production of downtown public open space: Experience of Los Angeles and San Francisco*. *Study of Urban and Regional Planning* 386.
- Blaikie, N. (2019). *Designing Social Research*, Hassan Chavoshian, Tehran: Ney, 418.
- Bogalska-Martin, E. Matteudi, E. (2018). *The Social Question in the Global World*. Cambridge Scholars Publishing, Received at: <https://www.researchgate.net/publication/331649327>. Date: 01/03/2021.
- Carmona, M. (2010). *Contemporary public space: Critique and classification, part one: Critique*. *Journal of Urban Design* 15(1): 123-148.
- Da Cunha, A., Mager, C., Matthey, L., Pini, G., Rozenblat, C. and Lausanne, R. (2012). *Urban geography in the era of globalization: the cities of the future Emerging knowledge and urban regulations*. *Geographica Helvetica* 67: 67-76, <https://doi.org/10.5194/gh-67-67-2012>, 2012.
- Fanie, Z. (2014). *Development, sustainability and globalization*. National Center for Globalization Studies. Tehran. (In Persian)
- Gehl, J., Svarre, B. (2013). *How to study public life*. Vol. Translated by Karen Ann Steenhard Washington: Island Press, 36.
- Golrokh, S. (2013). *The role of public spaces in the identity of citizens' places*. PhD Thesis, Urban Design, Shahid Beheshti University. (In Persian).
- Hall, P. (2002). *Cities of tomorrow: An intellectual history of urban planning and design in the twentieth century*. Oxford: Black well Publishing. 360.

- Johnston, R. J., Gregory, D., Pratt, G., & Watts, M. (2003). *The dictionary of human geography*. Maiden: Blackwell. Retrieved from: <http://www.univpgri-palembang.ac.id/perpus-fkip/Perpustakaan/Geography/Kamus%20Geografi/Kamus%20Geografi%20Manusia.pdf>.
- Kamvar Shalmani, A., Hanachi, S. (2016). *The Impacts of Visual Factors of Urban Spaces on Behavioral Patterns of the Citizens (Case Study: Shahr-dari square, Rasht, Iran)*, *Hoviatshahr* 9 (24): 65-78. (In Persian).
- Kazemi, A. A. (2011). *Globalization of culture and politics*. Ghoms Publications. Tehran. (In Persian)
- Khatibi, M. R. (2013). *The Effect of Behavioral Pattern for Regeneration of Urban Environment Identity in Urban Designed Interventions (Case Study: Entrance Area of Sanandaj)*. *Hoviatshahr* 13: 63-73. (In Persian).
- Kirby, A. Glavac, S. (2012). *Privatised development and the quality of urban life*. 165 (194).
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*. Translated by Nicholson-Smith, Oxford and Cambridge: Blackwell. 464.
- Madanipour, A. (2019). *Rethinking public space: Between rhetoric and reality*. *Urban Design International* 24: 38-46.
- Mandeli, kh. (2019). *Public space and the challenge of urban transformation in cities of emerging economies: Jeddah case study*. *Cities*, 95, 1024, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.102409>.
- Moudgil, A. (2016). *The American Dream in a Globalized World*. Received at: <https://www.researchgate.net/publication/342509793>. Date: 01/03/2021.
- Razavivand Fard, H. (2014). *Evaluating Spatial Behavior in the Urban Public Space of Kadiköy Square*. *Geography* 344: pp. 1-12.
- Seyed Azadegan, A.H., Safari, H. (2021). *Analysis of Social Sustainability Simulation of Rasht's Central Pedestrian Zone Using the Space Syntax Method*. *Palarch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology* 17(12): 1372-1385. ISSN 1567-214x. <https://www.researchgate.net/publication/350649080>.
- Strauss, A., Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Ebrahim Afshar, Tehran: Ney, 366. (In Persian).
- Tabibian, M., Valadkhani, H. (2018). *Provide a conceptual framework for achieving the concept of neighborhood in new urban developments by analyzing the town of Ekbatan with contextual theory*. Master Thesis in Urban Design. Fine Arts Campus. Faculty of Urban Planning. 280. (In Persian with English Summary).
- Taşan-Kok, T., Van weesep, J. (2007). *Global-local interaction and its impact on cities*. *Journal of Housing and the Built Environment* 22(1): 1-11. Retrieved from: <http://www.jstor.org/stable/41107365>.
- Vahidi Borji, G. (2017). *The Obstacles against the Success of Suggested Functions in Urban Development Projects in Iran*. *Honar-ha-ye-ziba*. 1(22): 5-14. (In Persian with English Summary).
- Yu, M., Smith, S. M. (2021). *Grounded theory: A guide for a new generation of researchers*. *International Journal of Doctoral Studies* 16: 553-568. <https://doi.org/10.28945/4836>.
- Zakerani, A. (2016). *Designing Urban Pergola for changing pedestrian behavior in street crossing*, *Datavard* 36(26): 16-23. (In Persian with English Summary).
- Zali, N., Ashrafi, S. (2013). *An Investigation of Economic Globalization Role on Metropolitan's Sustainable Development, Strategic Studies of Public Policy (Strategic Studies of Globalization Journal)* 4(11): 12-23. (In Persian with English Summary).
- Zolfi Gol, S., Karimi, M. (2017). *Extraction of Perceptual Mechanism of Behavioral Locations in Urban Spaces Using Spatial Monitoring Case Study: Buali Sina Tomb Square, Hamadan, Urban Studies* 8(30): 97-108. (In Persian with English Summary).

Globalization and patterns of behavior of citizens in urban spaces; Model design and explanation with Grounded Theory (Case study: Public space of Rasht city center)

Zahra Foroutan

PHD student of Department of Urban Planning , Qazvin branch, Islamic Azad University , Qazvin, Iran.

Manouchehr Tabibian *

Professor, College of fine art, university of Tehran ,Tehran, Iran.

Abstract

The process of globalization has affected all aspects of human life. Urban spaces are also affected in both environmental and behavioral dimensions. This study examines the relationship between environment and behavior with a probabilistic approach. The main purpose is to analyze the impact of the globalization process on the behavioral patterns of citizens in public spaces and to provide a comprehensive theory about it. The main question of the research is how the patterns of citizens' behavior in the central context of Rasht have changed due to globalization? To answer this question, the method of grounded theory is used. The interviewees were identified purposefully using the snowball technique. Finally, using line-by-line analysis of conversations in the open coding stage, 537 codes were extracted from 15 detailed interviews with experts in the field of research and finally 18 categories were identified. In the axial coding stage, a paradigm model was used to organize the connections between categories. Also, in the selective coding stage, the proposed design was refined. Findings show that the impact of globalization exists in all three aspects of human activities in urban spaces (optional, social, necessary) and occurs in the form of physical, environmental, socio-cultural and political components. According to the analysis, the central public space of Rasht has been updated both physically and in terms of globalization. More invitations to the public space of Rasht city center, more stops and pauses in it, new behaviors, peer hangouts, group games with strangers, sitting and talking and socializing, and walking and wandering calmly are the most important categories studied in this research.

Keywords: Globalization, Behavioral Patterns, Urban Spaces, Grounded Theory

* (Corresponding Author) Tabibian@ut.ac.ir